

خانواده سالم: کنکاشی در ملاکهای همسر مطلوب

از دیدگاه پسران و دختران

الهه گودرزناصری^۱

فاطمه باقریان^۲

سامان کمری^۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۷/۲۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی اولویتهای ملاک خانواده سالم در دختران و پسران انجام شد؛ بدین وسیله ۱۶۹ دانشجوی (۷۵ نفر دختر و ۹۴ نفر پسر) به شیوه نمونه‌گیری در دسترس از بین دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی انتخاب و با استفاده از پرسشنامه ملاک خانواده سالم بررسی شدند که اعتبار آن از طریق اعتبار محتوایی و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه و داده‌های پژوهش با استفاده از آزمونهای فریدمن و خی‌دو تحلیل شد. یافته‌ها حاکی بود که بین دختران و پسران در بیشتر ملاکهای خانواده سالم تفاوت معناداری وجود دارد. در مطالعه حاضر این الگوها و دلالت‌های آنها مورد بحث قرار گرفته است. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که شناسایی ملاکهای خانواده سالم از دیدگاه دختران و پسران دانشجوی می‌تواند در شناخت ما از ملاکهای خانواده سالم و در نهایت در ارتقای سطح ساختار خانواده‌ها در جامعه مفید باشد.

کلیدواژه‌ها: خانواده سالم، همسر مطلوب دختران، همسر مطوب پسران، ازدواج موفق.

۱ - دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

۲ - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

۳ - نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز

مقدمه

خانواده دیرینه‌ترین واحد اجتماعی و هسته مرکزی سازمانهای اجتماعی گسترده‌تر است که کنش‌وری متعددی دارد (رابینوماسا، پروست و بوچ^۱، ۲۰۰۵). نهاد خانواده در مقایسه با دیگر نهادهای جامعه از نظر اندازه، کوچکترین، ولی از نظر اعتبار و اثربخشی، عظیمترین و پایدارترین نهاد اجتماعی است؛ زیرا لازمه بقای جامعه متشکل از نهاد خانواده‌هاست به گونه‌ای که ویژگیهای جامعه را از طریق روشن ساختن روابط خانوادگی آن می‌سازد (بنی جمال، نفیسی و یزدی، ۱۳۸۳). پژوهشگران، خانواده سالم^۲ را خانواده‌ای می‌دانند که دارای ویژگیهایی مانند تعهد، تمایل به صرف وقت برای یکدیگر، ابراز صمیمیت، داشتن استقلال، ارتباط روشن، صداقت و مسئولیت‌پذیری باشند (ریورا و همکاران^۳، ۲۰۰۸). با توجه به اینکه سلامت روانی - اجتماعی جامعه در گروه سلامت خانواده است، کیفیت و سلامت خانواده نیز در گروه مجموعه‌ای از آگاهیها و اطلاعات در جهت موفقیت در ازدواج است. این آگاهیها در زمینه شناسایی ملاکهایی به منظور تشکیل خانواده سالم یا خانواده سلامت است. برخی خانواده سالم را در گروه ازدواج موفق می‌دانند و آن را مجموعه‌ای از نیازهای روانی افراد از قبیل عشق و علاقه، مصاحبت و همراهی و تأمین امنیت می‌دانند و وقتی ازدواج با انگیزه‌هایی همچون تکامل، حفظ عفت و پاکدامنی، تأمین سلامت و آرامش جسم و روان، توسعه روابط اجتماعی، تولید مثل و ارضای سالم تمایلات، صورت گیرد، زمینه خانواده سالم را فراهم می‌کند (ستیر و ویرجینا، ۱۳۷۶ به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۸۳). ازدواجی موفق است که در آن ملاکهای انتخاب بدرستی رعایت، و طرفین از ملاکهای خود، آگاهی و تعریفی روشن داشته باشند که این امر در سعادت خود فرد و حتی فرزندان و اجتماع نقش اساسی دارد (پارکر، ۱۹۹۵؛ نیولون، ۲۰۰۰ به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۸۳).

اگر ازدواج بر اساس معیارهای صحیح صورت گیرد، می‌تواند شالوده استواری برای خانواده و تربیت فرزندان بنا شود و چنانچه تنها بر اساس احساسات و تمایلات زودگذر و ملاکهای مادی و ظاهری و شاخصهای واهی صورت گیرد، می‌تواند در وحدت و انسجام خانواده و تربیت فرزندان و بهداشت روانی آنها مشکل ایجاد کند (حیدری و همکاران، ۱۳۸۸).

1 - Rabino-Massa, Prost, & Boetsch

2 - Health Family

3 - Rivera & et al

برخی از پژوهشگران، ملاکهایی را که برای داشتن خانواده سالم لازم است به دو صورت می‌دانند که برخی، این ملاکها را لازمه زندگی سعادتمندانه می‌دانند و برخی دیگر ملاکهایی است که برای بهبود و تکامل زندگی ضروری است و بیشتر به سلیقه افراد بستگی دارد؛ داشتن تدین، اخلاق نیکو، شرافت خانوادگی، عقل، سلامت جسم و روان، زیبایی، علم و کفو بودن از جمله این ملاکها است (پارکر، ۱۹۹۵ به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۸۵؛ رجیبی، بخشی پور و عباسی، ۱۳۹۲).

بنسون^۱ (۲۰۰۲) نیز خانواده‌ای را سالم می‌داند که طرفین شرایط لازم را برای انتخاب داشته باشند و برای انتخاب خود، احساس آزادی کنند؛ طرفین از بلوغ فکری و عاطفی لازم برخوردار باشند و بتوانند بین عقل و احساس خود تعادل ایجاد کنند و هم‌چنین از استقلال لازم برخوردار، و آمادگی لازم برای ازدواج، شروع زندگی مشترک و تلاش برای سازگاری زندگی داشته باشند.

با توجه به آنچه بیان شد، خانواده سالم در گروهی از ازدواج موفق است. ازدواج موفق در راستای انتخاب ملاک درست همسرگزینی به دست می‌آید. انسان در طول زندگی خویش پیوسته در حال انتخاب است. انتخاب همسر نیز یکی از انتخابهای بسیار مهم است که بیشتر افراد حداقل یک بار در زندگی خود با آن روبه‌رو می‌شوند. انسان در هر انتخاب، خواسته یا ناخواسته، ملاکهایی را مبنا قرار می‌دهد (نصیر زاده و رسول زاده طباطبایی، ۱۳۸۸). یکی از تفاوت‌های بسیار مهمی که پژوهشگران مختلف در بررسی ملاکهای انتخاب همسر به آن اشاره کرده‌اند، تفاوت بین زنان و مردان است (باس و همکاران^۲، ۱۹۹۰). مطالعه در مورد ترجیحات انتخاب همسر تاریخچه طولانی دارد (گودین و تینکر^۳، ۲۰۰۱)؛ با این وجود، تحقیقات اخیر در این مورد مربوط به اواخر قرن ۲۰ در مطالعات موری و گاینز^۴ (۲۰۰۵)؛ باس و همکاران (۲۰۰۱)؛ گودین و تینکر (۲۰۰۱)؛ خالد^۵ (۲۰۰۵)؛ لی^۶ (۲۰۱۰) یافت می‌شود. جامعه‌شناسان و روانشناسان بر اساس نظریه مبادله اجتماعی به تأثیر ارزشهای اجتماعی و فرهنگی در فرایند انتخاب همسر اشاره می‌کنند و معتقدند که راهبردهای انتخاب همسر از تقابل موقعیت‌های اجتماعی به دست می‌آید که مردان و زنان به طور تاریخی در جامعه پذیرفته‌اند (شوماک^۷، ۲۰۰۷). در مقابل، زیست‌شناسان تکاملی نظریه

1 - Benson

2 - Buss

3 - Goodwin, & Tinker

4 - Morry, & Gaines

5 - Khallad

6 - Li

7 - Shoemak

سرمایه‌گذاری والدینی را مطرح، و پیش‌بینی می‌کنند که تفاوت‌های جنسی نسبتاً پایداری در اولویتهای همسرگزینی وجود دارد؛ برای مثال، این نظریه‌پردازان معتقدند که برای مردان ویژگیهای پیش‌بینی‌کننده باروری و برای زنان ویژگیهای پیش‌بینی‌کننده منابع قابل دسترس اهمیت دارد (کوستاوسون، جانسون و یولر^۱، ۲۰۰۸). زنان معمولاً شریک مسن‌تری را جستجو می‌کنند در حالی که مردان مانند گونه‌های جنسی دیگر، شریکشان را بر اساس نشانه‌های مرتبط با باروری مانند جوانی، سلامت و جذابیت فیزیکی انتخاب می‌کنند (روسو و بنسیس^۲، ۲۰۰۷؛ فورنهایم^۳، ۲۰۰۹). در این زمینه، که افراد چه کسی را به عنوان همسر انتخاب می‌کنند، سالهاست که روانشناسان در پی پاسخگویی به این سؤال هستند که آیا افراد شبیه به هم جذب یکدیگر می‌شوند و یا متضادها یکدیگر را جذب می‌کنند. در تلاش برای پاسخگویی به این سؤال، که به طور گسترده‌ای مورد بررسی قرار گرفته است دو نتیجه کلی از پژوهشها به دست آمده است. در مجموع شواهد با ثباتی در مورد جذب افراد مشابه با یکدیگر و شواهد خیلی کمی در مورد جذب متضادها به یکدیگر وجود دارد (لو و کلوهن^۴، ۲۰۰۵). از دیدگاه جامعه‌شناسی عامل مؤثری که در انتخاب همسر نقش مهمی دارد، همسان‌همسری^۵ است. این اصل از سوی کارشناسان مسائل خانواده در حوزه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی مورد توجه و اهمیت قرار گرفته و به عنوان معیار عام‌گزینش همسر در جوامع گوناگون مطرح است (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۷). همسان‌همسری، گرایش به انتخاب فردی مشابه با خود به عنوان همسر است و بر مبنای ویژگیهای متعددی از جمله جایگاه اجتماعی، زمینه قومی، نگرشهای فرهنگی، جذابیت، عوامل شخصیتی، تحصیلات و هوش است (اسکوریاال و مارتین - بورو^۶، ۲۰۱۲). پژوهشها در زمینه ازدواج و رضایت زناشویی موفق نیز نیز نشان می‌دهد که همسان‌همسری با مطلوبیت روابط زناشویی ارتباط دارد و افرادی که الگوی ازدواج همسان‌همسری زبانی، دینی و مکانی را تجربه می‌کنند، نسبت به افرادی که الگوی ناهمسان‌همسری زبانی، دینی و مکانی را تجربه می‌کنند، سطح رضایت زناشویی بهتری دارند (سحابی، خانی و خانی، ۱۳۹۳). در کنار دیدگاه تکاملی، دیدگاه اجتماعی - اقتصادی به تبیین تفاوت بین زنان و مردان در ملاک انتخاب همسر می‌پردازد. این دیدگاه معتقد است که تفاوت در

1 - Gustavsson, johnsson, & Uller
 2 - Rusu & Bencic
 3 - Furnham
 4 - Luo & Klohnen
 5 - Homogamy
 6 - Escorial, & Martín-Buro

ملاکهای انتخاب همسر بین مردان و زنان به تفاوت نقشهای اجتماعی مربوط است که به وسیله هر جنس در بیشتر جوامع بر عهده گرفته می شود (باس و همکاران، ۱۹۹۰). علاوه بر ملاحظات تکاملی و اجتماعی - اقتصادی، ملاکهایی که افراد برای انتخاب همسر در نظر می گیرند، شدیداً تحت تأثیر متغیرهای فرهنگی قرار دارد؛ به عنوان مثال، افراد جوامع در حال توسعه و سنتی مایلند در انتخاب همسر اهمیت بیشتری را به ویژگیهایی مانند پاکدامنی و خانه داری و اهل فرزند و خانه دار بودن بدهند (باس و همکاران، ۲۰۰۱)؛ حتی اولویت بندی ملاک انتخاب همسر با توجه به تفاوت های جنسیتی می تواند بر حسب میزان فردگرا یا جمعگرا بودن فرهنگ نیز متفاوت باشد.

تودوسیژویک و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی به منظور بررسی تفاوت های معیارهای انتخاب همسر در دو جنس زن و مرد در دانشجویان صربستان نشان دادند که زنان ویژگی صداقت، وفاداری، دلسوزی، اعتماد، اجتماعی بودن، دقت، علاقه مندی، هوش، پاکیزگی، جاه طلبی، زیبایی و خوش تیپی و تناسب اندام را در نظر می گیرند. هم چنین یافته ها حاکی بود که بین وضعیت اقتصادی - اجتماعی زنان با دانش همسر، علاقه مندی، کار مورد علاقه و معاشرتی بودن همسر همبستگی مثبت هست. در پژوهشی که عباس زاده و همکاران (۱۳۸۹) در مورد بررسی معیارهای انتخاب همسر انجام دادند، مشخص شد که بین معیارهای تحصیلات عالی، زیبایی، مادیات، شغل همسر و موقعیت اجتماع با جنس، ارتباط معناداری وجود دارد. نصیر زاده و رسول زاده طباطبایی (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود با هدف بررسی شاخصهای جسمانی انتخاب همسر به این نتیجه رسیدند که هم برای دختران و هم برای پسران، جذابیت جسمانی در انتخاب همسر نقش مهمی دارد. حیدری و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود اولویتهای انتخاب همسر را به ترتیب اهمیت از تفاهم اخلاقی، وفاداری، مسئولیت پذیری تا زیبایی و جذابیت رتبه بندی کرده اند. یافته های آنها نشان داد که معیارهای ارزشمند برای دانشجویان پسر به ترتیب تفاهم اخلاقی، وفاداری، مسئولیت پذیری، زیبایی و جذابیت ظاهری و شناخت قبل از ازدواج، اما برای دانشجویان دختر تفاهم اخلاقی، وفاداری، رضایت والدین، شناخت قبل از ازدواج، عشق و علاقه، مسئولیت پذیری، زیبایی و جذابیت ظاهری از اهمیت برخوردار است. شهیدی و یوسفی (۱۳۸۷) نیز با بررسی ملاکهای انتخاب همسر، ملاکهای مسئولیت پذیری، ویژگی اخلاقی، اصالت خانوادگی، اعتقادات دینی، وضعیت ظاهری و پولدار بودن فرد مدنظر، مهمترین اولویتهای انتخاب همسر شناسایی کرده اند. عابدی و فرحبخش (۱۳۸۰) نیز در پژوهش خود در مورد تناسب سن، سطح تحصیلات و اعتقادات مذهبی به این نتیجه رسیدند که ۹۸ درصد دانشجویان پسر معتقدند که باید سن

همسرشان کمتر از خودشان و ۹۶ درصد دانشجویان دختر بر این باورند که سن همسرشان بیشتر از خودشان باشد و هم‌چنین ۵۵ درصد دختران و ۵ درصد پسران ترجیح می‌دهند که همسرشان تحصیلات بالاتر از خودشان داشته باشند. در زمینه اعتقادات مذهبی نیز ۷۳ درصد پسران و ۷۰ درصد دختران افراد متدین و مقید را ترجیح می‌دهند.

بیشترین مشکلاتی که در زندگی خانوادگی به وجود می‌آید به دلیل این است که دختر و پسر، همسر متناسب با خود را انتخاب نکرده‌اند و عدم تناسب، زندگی آنها را به تباهی می‌کشد و بسیاری از مشکلات و اختلافات را در زندگی مشترک موجب می‌شود و هم‌چنین نداشتن معیارهای درست و اهمیت ندادن به ویژگیهای شخصیتی از علتهای عمده طلاق به شمار می‌رود. با توجه به نتایج متفاوت تحقیقات و اهمیت خانواده سالم در ایجاد جامعه‌ای سالم، این پژوهش بررسی ملاکهای خانواده سالم را از دید دختران و پسران هدف خود قرار داده است و قصد دارد به این سؤال پاسخ دهد که ملاکهای خانواده سالم از دید پسران و دختران چگونه است و چه تفاوتی با هم دارد.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق جزء طرحهای زمینه‌یابی است؛ زیرا محقق در تلاش است تا ملاکهای را شناسایی کند که از نظر دختران و پسران در انتخاب خانواده سلامت، مهم است. از سوی دیگر چون قصد دارد برخی از ملاکهای مشترک بین دو جنس را مقایسه کند، جزء طرحهای علی - مقایسه‌ای به‌شمار می‌رود. جامعه آماری این پژوهش تمام دانشجویان هستند و حجم نمونه ۱۶۹ نفر (۷۵ نفر دختر و ۹۴ نفر پسر) است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده، و داده‌ها با استفاده از روشهای توصیفی و استنباطی نظیر جدول توزیع فراوانی، درصد فراوانی، آزمون فریدمن، خی دو تحلیل شد.

پرسشنامه ملاکهای همسر مطلوب: این پرسشنامه، محقق ساخته است که ملاکهای همسر مطلوب را از دید دختران و پسران دانشجوی می‌سنجد به طوری که دانشجویان معیارهایی را برای جنس خود در نظر می‌گیرند تا فرد را به عنوان فرد سالم بشناسند؛ به همین منظور از پنج دانشجوی پسر و پنج دانشجوی دختر، ملاکهای خانواده سلامت پرسیده، و بر این اساس دو پرسشنامه تهیه شد یکی برای پسران که بر اساس معیارهایی که دانشجویان دختر گفته‌اند و دیگری پرسشنامه‌ای

که بر اساس معیارهایی که دانشجویان پسر گفته‌اند، ساخته شد. این پرسشنامه در چهار بخش ویژگیهای اخلاقی خانواده سلامت، شاخصهای آمادگی برای ازدواج، شیوه تعامل افراد در خانواده سلامت و شیوه مدیریت در خانواده شکل گرفته است که بخشهای ویژگی اخلاقی، آمادگی برای ازدواج و شیوه تعامل با دامنه پاسخ ۴ رتبه‌ای از امتیاز ۱ (بی اهمیت) تا ۴ (بسیار مهم) و بخش شیوه مدیریت نیز در ۴ سطح مدیریت اقتصادی، مدیریت منزل، مدیریت ارتباطات و مدیریت تربیت فرزندان در سه گزینه مدیریت توسط زن، مدیریت توسط مرد و مدیریت به صورت مشترک طراحی شده بود. برای تعیین اعتبار ابزار گردآوری داده‌ها از روش اعتبار محتوایی و اعتبار صوری و برای تعیین پایایی از روش ثبات درونی استفاده شد؛ بدین ترتیب که پس از تهیه پرسشنامه با توجه به کتابها و مقالات و پژوهشها و سپس متن آن توسط ده نفر (دو نفر روانشناس خانواده و عضو هیئت علمی و چهار نفر اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و چهار نفر از افراد ازدواج کرده) بررسی شد و اصلاحات لازم به عمل آمد و برای تعیین اعتبار صوری ابزار از شیوه نگارش، جمله‌بندی و ظاهر منطقی برای ابزار استفاده شد. به منظور تعیین پایایی ابزار پژوهش از روش ثبات درونی (ضریب آلفای کرونباخ) استفاده شد؛ پس از طراحی ابزار (قبل از جمع آوری اطلاعات)، پرسشنامه بین ۲۲ نفر توزیع شد؛ سپس ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برای پسران در حیطه ویژگی اخلاقی ۰/۷۵، در حیطه آمادگی برای ازدواج ۰/۷۳، در حیطه شیوه تعامل افراد ۰/۸۴ و در حیطه شیوه مدیریت ۰/۷۷، و ضریب پایایی برای پرسشنامه دختران در حیطه‌های ویژگی اخلاقی ۰/۷۱، آمادگی برای ازدواج ۰/۷۳، شیوه تعامل افراد ۰/۸۰ و شیوه مدیریت ۰/۷۸ محاسبه شد.

یافته‌ها

نتایج توصیفی: اطلاعات جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که ۵۵ درصد افراد نمونه را پسران و ۴۵ درصد آن را دختران تشکیل دادند. هم‌چنین در مورد شغل نیز ۸۱ درصد نمونه را دانشجویان در حال تحصیل، ۹ درصد را افراد دارای شغل دولتی، ۶ درصد را افراد دارای شغل آزاد و ۴ درصد را بیکار تشکیل داده‌اند. اطلاعات توصیفی در مورد تحصیلات نیز نتایج نشان داد که ۲ درصد افراد دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۳ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۴۳ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و ۵۰ درصد افراد نمونه دارای تحصیلات ارشد و ۲ درصد را دارای تحصیلات دکتری تشکیل دادند. هم‌چنین ۵۶ درصد افراد در ۱۸ - ۲۴ سالگی، ۳۱ درصد افراد در ۲۵ - ۳۰ سالگی و ۱۳ درصد افراد در ۳۱ و بیشتر قرار دارند.

نتایج تحلیلی: نتایج آزمون فریدمن برای تعیین اولویت ملاکهای خانواده سالم در عامل ویژگی اخلاقی در نظر دختران و پسران مجرد حاکی است که برای پسران ملاکهای وفاداری و نجابت، صداقت و راستگویی، سازگاری، محترم و مؤدب بودن و مسئولیت پذیری بیشترین اهمیت را دارد و ملاک شاغل بودن کمترین اهمیت را در ملاک خانواده سالم دارد و برای دختران نیز ملاکهای صداقت و راستگویی، مسئولیت پذیری، وفاداری و نجابت، شاغل بودن، هدفمندی و تلاش، مهربان و خوش اخلاق و صبر و آرامش مهمترین ملاک و ملاکهای داشتن اتومبیل شخصی، منزل شخصی و پس انداز و دست و دلبازی، کم اهمیت ترین ملاک است که در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱: ملاکهای خانواده سالم (ویژگیهای اخلاقی) به تفکیک جنسیت

ویژگی	پسران		ویژگی	دختران	
	اولویت	میانگین رتبه‌ها		اولویت	میانگین رتبه‌ها
وفاداری و نجابت	۱	۷/۱۳	صداقت و راستگویی	۱	۱۰/۴۶
صداقت و راستگویی	۲	۶/۸۱	مسئولیت پذیری	۲	۱۰/۲۷
سازگاری	۳	۶/۰۴	وفاداری و نجابت	۳	۱۰/۲۰
مسئولیت پذیری	۴	۵/۸۶	شاغل بودن	۴	۱۰/۱۰
محترم و مؤدب	۴	۵/۸۶	هدفمندی و تلاش	۵	۹/۶۸
شاد و بانرژی بودن	۵	۵/۸۳	مهربان و خوش اخلاق	۶	۹/۵۶
عمقی نگر	۶	۵/۲۲	صبر و آرامش	۷	۹/۱۴
فروتنی و تواضع	۷	۵/۰۸	محترم و مؤدب	۸	۹/۰۹
ایمان و اعتقادات مذهبی	۸	۴/۸۸	قدردانی	۹	۷/۹۰
شاغل	۹	۲/۳۰	انتقادپذیری	۱۰	۶/۹۰
			ایمان و اعتقادات مذهبی	۱۱	۶/۵۸
			دست و دلبازی	۱۲	۶/۴۹
			پس انداز	۱۳	۵/۰۷
			منزل شخصی	۱۴	۴/۶۴
			اتومبیل شخصی	۱۵	۳/۹۳

جدول ۲: ملاکهای خانواده سالم (ویژگی آمادگی برای ازدواج در جنس مخالف) به تفکیک جنسیت

ویژگی	پسران		ویژگی	دختران	
	اولویت	میانگین رتبه‌ها		اولویت	میانگین رتبه‌ها
توانایی کنترل احساسات	۶	۵/۷۹	توانایی کنترل احساسات	۱۱	۵/۳۸
اصالت خانوادگی	۲	۶/۴۷	اصالت خانوادگی	۸	۵/۸۰
شاغل	۷	۵/۶۸	شاغل بودن	۳	۷/۵۴
شأن و منزلت اجتماعی	۴	۶/۰۵	شأن و منزلت اجتماعی	۱۰	۵/۴۲
استقلال از خانواده	۱۰	۳/۶۴	استقلال از خانواده	۵	۶/۹۸
قومیت و مذهب مشابه	۸	۴/۲۴	قومیت و مذهب مشابه	۱۲	۴/۷۳
تمایلات جنسی	۳	۶/۰۹	توانایی جنسی	۷	۵/۹۲
توانایی اداره منزل و مراقبت از فرزندان	۶	۵/۷۹	مسئولیت‌پذیری	۲	۸/۴۶
پوشش و حجاب	۵	۵/۸۹	تصمیم‌گیری مستقل	۶	۶/۴۹
ایمان و اعتقادات مذهبی	۱	۷/۰۲	سابقه ازدواج نداشتن	۹	۵/۵۱
فیزیک کوچکتر از مرد	۹	۴/۱۳	سلامت جسمانی	۴	۷/۱۸
			سلامت روانی	۱	۸/۶۱

نتایج جدول ۲ در مورد اولویت ویژگی آمادگی برای ازدواج در جنس مخالف نیز حاکی است که پسران برای دختران ویژگی‌هایی از قبیل ایمان و اعتقادات مذهبی، اصالت خانوادگی، تمایلات جنسی، داشتن شأن و منزلت اجتماعی، پوشش و حجاب، توانایی کنترل احساسات و توانایی اداره منزل و مراقبت از فرزندان را با اهمیت می‌دانند در حالی که دختران ویژگی‌هایی از قبیل برخورداری از سلامت روانی، مسئولیت‌پذیری، شاغل بودن سلامت جسمانی، داشتن استقلال از خانواده، تصمیم‌گیری مستقل و توانایی جنسی را در پسران در نظر گرفتند.

جدول ۳: برتری شاخص آمادگی برای ازدواج (سطح فرهنگی، سن مناسب، چهره فیزیکی، اختلاف سنی و تحصیلات) با توجه به تفکیک جنسیت

آماره		زن		مرد		ملاک	
سطح معناداری	خی دو	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	عوامل	
۰/۰۳	۰/۱۸	۳	۲	۸	۷	پایین تر از همسر	سطح فرهنگی
		۸۱	۶۱	۸۸	۸۳	متناسب با همسر	
		۱۶	۱۲	۴	۲	بالتر از همسر	
۰/۰۴	۰/۱۶	۱۵	۱۱	۱۹	۱۸	۲۴-۲۰	سن مناسب
		۷۱	۵۳	۶۱	۵۷	۳۰-۲۵	
		۱۳	۱۰	۱۸	۱۷	۳۵-۳۱	
		۱	۱	۲	۱	۳۶ به بالا	
۰/۰۱	۰/۲۳	۶	۴	۶۷	۶۳	بهتر از همسر	چهره فیزیکی
		۸۱	۶۱	۳۱	۲۹	متناسب با همسر	
		۱۳	۱۰	۲	۲	بدتر از همسر	
۰/۰۰۱	۰/۳۱	۴	۳	۱۷	۱۶	همسن	اختلاف سنی
		۳۰	۲۳	۴۵	۴۲	۳-۱ سال	
		۴۸	۳۶	۳۲	۳۰	۵-۳ سال	
		۱۷	۱۳	۶	۶	بیشتر از ۵ سال	
۰/۰۳	۰/۱۱۷	۳	۲	۱۸	۱۷	پایین تر از همسر	سطح تحصیلات
		۷۱	۵۳	۷۹	۷۴	متناسب با همسر	
		۲۴	۱۸	۳	۲	بالتر از همسر	

همان گونه که جدول ۳ نشان می دهد درباره برتری معیار سطح فرهنگی در ملاک شاخص آمادگی برای ازدواج، هم برای دختران (۸۱ درصد) و هم برای پسران (۸۸ درصد) بر ملاک تناسب فرهنگی زن و مرد تأکید شد؛ اما به نظر می آید دختران کمتر از پسران بر معیار تناسب فرهنگی در ملاک آمادگی ازدواج توجه دارند؛ این وضعیت با عنایت به مقدار آماره، حاکی از تفاوت معنادار دختران با پسران است. از سوی دیگر در مورد برتری معیار تناسب سن، اندازه جدول ۳ نشان از این دارد که بیشترین درصد در هر دو جنس به ۲۵ - ۳۰ سالگی (دختران ۷۱ درصد و پسران ۶۱ درصد) مربوط است و آماره های مربوط نیز مؤید تفاوت معنادار نظر دختران و پسران است. هم چنین در باب چگونگی برتری معیار چهره فیزیکی نیز ارقام جدول گویای این

است که بیشترین درصد پسران (۶۷ درصد) بر چهره فیزیکی بهتر از مرد و بیشترین درصد دختران (۶۱ درصد) بر چهره فیزیکی متناسب با هم تأکید می‌کنند در حالی که نزدیک به ۶ درصد از دختران به چهره فیزیکی بهتر از زن و ۳۱ درصد از پسران به چهره فیزیکی متناسب توجه می‌کنند. این وضعیت با توجه به مقدار آماره، حاکی از تفاوت معنادار نظر دختران با پسران در زمینه ملاک آمادگی ازدواج است.

در مورد برتری معیار اختلاف سنی نیز نتایج حاکی است که بیشترین درصد پسران (۴۵ درصد) ۱ تا ۳ سالگی و بیشترین درصد دختران (۳۶ درصد) ۳ تا ۵ سالگی را اختلاف سنی مناسب برای آمادگی ازدواج از عوامل خانواده سالم تأکید دارند. مقدار و سطح معناداری آماره‌ها نیز حاکی از تفاوت معنادار در دو جنس در این معیار است. هم‌چنین نتایج مربوط به برتری معیار سطح تحصیلات در جدول ۳ بیانگر این است که بیشترین درصد پسران (۷۹ درصد) و دختران (۷۱ درصد) بر معیار تناسب سطح تحصیلات تأکید دارند و مقدار و سطح معناداری آماره‌ها نیز حاکی از تفاوت معنادار نظر دختران و پسران در این ملاک است.

جدول ۴: ملاکهای خانواده سالم (تعامل خانوادگی) به تفکیک جنسیت

دختران		ویژگی	پسران		ویژگی
میانگین رتبه‌ها	اولویت		میانگین رتبه‌ها	اولویت	
۹/۶۱	۱۰	احترام به نظر یکدیگر	۱۲/۴۹	۳	احترام به یکدیگر
۱۱/۶۲	۴	روابط دوستانه	۱۰/۹۰	۷	گذشت و فداکاری
۸/۸۳	۱۱	مشورت در همه کارها	۸/۶۷	۱۵	حرف شنوی از همسر
۸/۴۴	۱۵	خودکنترلی هنگام عصبانیت	۱۲/۷۹	۲	مهربان و صمیمی بودن
۹/۸۶	۸	رعایت حریم شخصی	۹/۲۹	۱۲	رعایت حریم خصوصی
۹/۷۴	۹	دلسوزی و فداکاری	۹/۶۳	۱۰	اولویت قرار دادن خانواده
۸/۴۲	۱۶	خودداری از عیب‌جویی	۱۱/۰۱	۶	نبود تنش و بی‌اعتنایی در خانواده
۱۱/۸۸	۱	راستگویی	۹/۹۹	۹	تعاملات مبتنی بر شادی
۱۱/۶۶	۳	علاقه و عشق	۱۰/۱۰	۸	لجباز و خود رأی نبودن
۱۱/۷۶	۲	مسئولیت‌پذیری	۸/۵۴	۱۶	ارتباط جنسی منظم
۹/۹۰	۷	ابراز محبت و علاقه	۸/۹۷	۱۳	توقع بیش از حد نداشتن
۸/۷۷	۱۳	احترام به آزادی	۱۳/۶۷	۱	علاقه‌مندی به یکدیگر
۸/۷۳	۱۴	قدردان بودن	۷/۴۴	۱۸	روابط مقتدارانه با فرزندان
۵/۷۱	۱۸	کمک در کار منزل	۸/۷۲	۱۴	زود رنج نبودن
۵/۸۶	۱۷	اعتماد به یکدیگر	۱۱/۹۲	۴	اعتماد کامل به یکدیگر
۱۰/۴۷	۶	مطرح نکردن اختلاف خانوادگی در جمع (توانایی حل اختلاف بین اعضا)	۹/۴۹	۱۱	غر نزدن
۱۰/۹۲	۵	کمک به یکدیگر به منظور رشد و پیشرفت	۷/۳۷	۱۹	توجه انحصاری به همسر
۸/۸۲	۱۲	خودداری از اجبار در برقراری رابطه جنسی	۱۱/۳۸	۵	مسئولیت‌پذیری
			۷/۶۱	۱۷	اهمیت دادن به نیازهای همه افراد خانواده

نتایج آزمون فریدمن در جدول ۴ برای تعیین مهمترین ملاک خانواده سلامت در عامل تعامل خانواده در پسران و دختران حاکی است که برای پسران ملاکهای علاقه‌مندی به یکدیگر، احترام

به یکدیگر، اعتماد کامل به یکدیگر، مسئولیت‌پذیری، نبود تنش و بی‌اعتنایی در خانواده، گذشت و فداکاری، لجاجت و خود رأی نبودن و تعاملات مبتنی بر شادی به عنوان ویژگی تعاملات خانوادگی سالم بیشترین اهمیت را دارد و ویژگیهای توجه انحصاری به همسر، روابط مقتدرانه با فرزندان، اهمیت دادن به نیازهای همه افراد خانواده و ارتباط جنسی منظم کمترین اهمیت را دارد و هم‌چنین نتایج آزمون فریدمن حاکی است که برای دختران ملاکهای راستگویی، مسئولیت‌پذیری، علاقه و عشق، روابط دوستانه، کمک به یکدیگر به منظور رشد و پیشرفت، مطرح نکردن اختلاف خانوادگی در جمع، ابراز علاقه و محبت، رعایت حریم شخصی و دلسوزی و فداکاری به عنوان تعامل خانواده سالم بیشترین اهمیت را دارد و ملاکهای کمک در کار منزل، اعتماد به یکدیگر، خودداری از عیب‌جویی، خودکنترلی هنگام عصبانیت، قدردان بودن و احترام به آزادی به ترتیب کمترین اهمیت را در تعامل خانوادگی دارد.

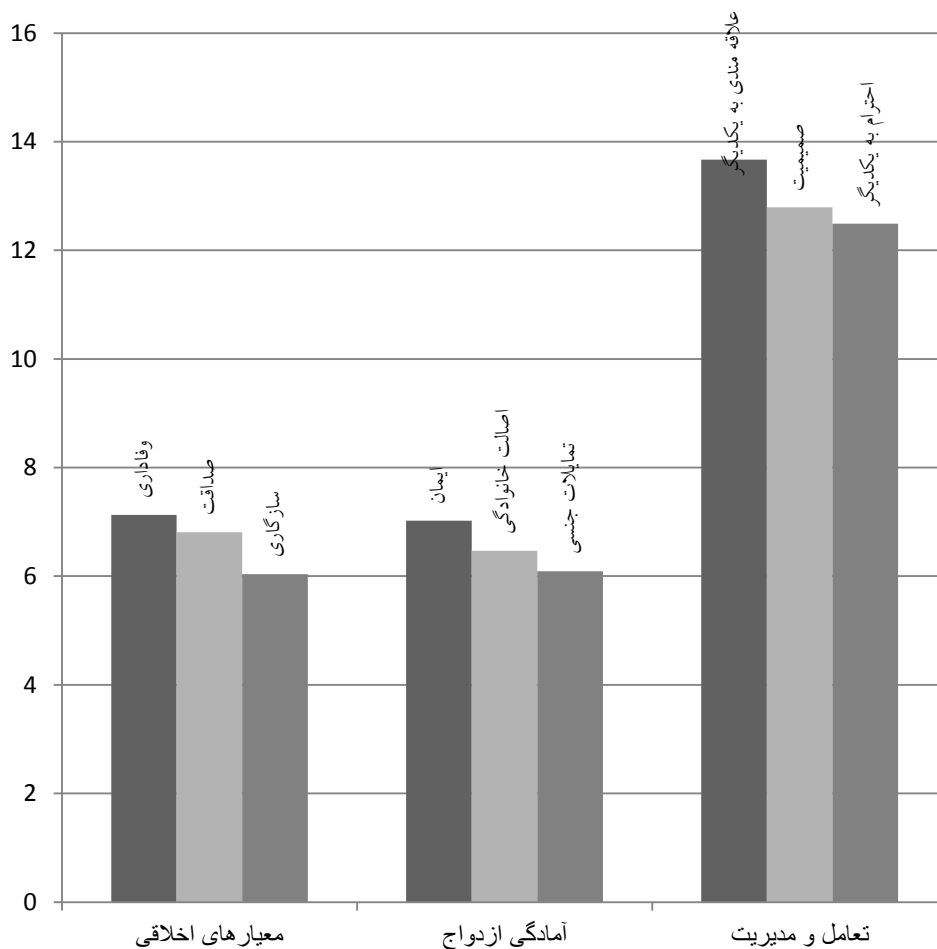
جدول ۵: برتری شاخص مدیریت خانواده (مدیریت اقتصادی، مدیریت منزل و مدیریت ارتباطات)

به تفکیک جنسیت

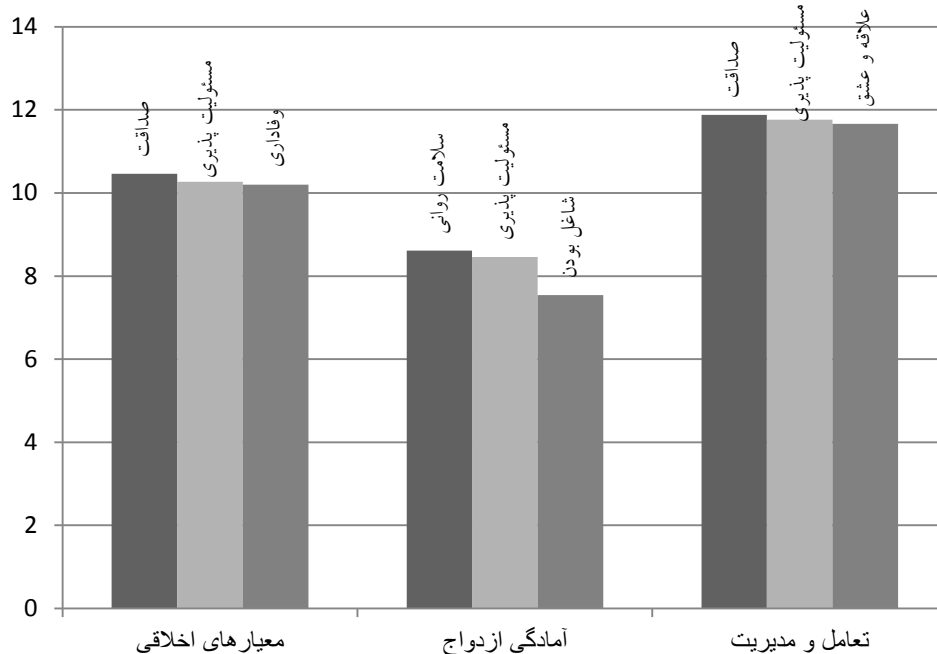
آماره	دختران		پسران		ملاک		
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			
۰/۰۰۱	۷۹/۸۲	۴	۳	۳	۳	مدیریت توسط زن	مدیریت اقتصادی
		۳۲	۲۴	۶۰	۵۷	مدیریت توسط مرد	
		۶۴	۴۸	۳۷	۳۴	مدیریت به صورت مشترک	
۰/۰۰۲	۱۱/۲۷	۳	۲	۱۱	۱۰	مدیریت توسط مرد	مدیریت منزل
		۳۲	۲۴	۳۸	۳۶	مدیریت توسط زن	
		۶۵	۴۹	۵۱	۴۸	مدیریت به صورت مشترک	
۰/۰۰۶	۱۶/۵۷	۵	۴	۱۱	۱۰	مدیریت توسط مرد	مدیریت ارتباطات
		۳	۲	۲	۳	مدیریت توسط زن	
		۸۲	۶۹	۸۷	۸۱	مدیریت به صورت مشترک	

با توجه به نتایج شاخص مدیریت خانواده سالم حاکی است که ۳ درصد مردها ترجیح می‌دهند که مدیریت اقتصادی توسط زن، ۶۰ درصد توسط مرد و ۳۷ درصد به صورت مشترک صورت بگیرد در حالی که ۴ درصد زنها ترجیح می‌دهند که مدیریت اقتصادی توسط زن، ۳۲

درصد توسط مرد و ۶۴ درصد به صورت مشترک صورت بگیرد. اختلاف دو جنس از لحاظ این متغیر با استفاده از الگوی خی دو برابر ۸۰ است که در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنی دار است. هم چنین در زمینه مدیریت منزل نیز زنها ترجیح می دهند که ۳۲ درصد مدیریت توسط خودشان، ۳ درصد توسط مردها و ۶۵ درصد به صورت مشترک صورت گیرد در حالی که مردها ترجیح می دهند ۳۸ درصد توسط زن، ۱۱ درصد توسط مرد و ۵۱ درصد به صورت مشترک صورت بگیرد ($\chi^2 = 11/27, P < 0/02$). از سوی دیگر نتایج مربوط به مدیریت ارتباطات در دختران و پسران نشان داد که حدود ۹۲ درصد زنان و ۷۰ درصد مردان مدیریت را به صورت مشترک اعلام کردند ($\chi^2 = 16/57, P < 0/006$).



شکل ۱: نمودار اولویتهای اصلی پسران در بخشهای معیار اخلاقی، آمادگی ازدواج و تعامل و مدیریت



شکل ۲: نمودار اولویتهای اصلی دختران در بخشهای معیار اخلاقی، آمادگی ازدواج و تعامل و مدیریت

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در شکل ۱ و ۲ نمودار اولویتهای اصلی پسران و دختران در بخشهای معیار اخلاقی، آمادگی ازدواج و تعامل و مدیریت به تفکیک ارائه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش، بررسی ملاک خانواده سالم از دید دختران و پسران بود. به‌طور کلی نتایج یافته‌های پژوهش در زمینه بخش ویژگی اخلاقی از ملاک خانواده سلامت نشان داد پسران در مقایسه با دختران ویژگیهایی از قبیل وفاداری و نجابت، صداقت و راستگویی، سازگار بودن، محترم و مؤدب بودن، مسئولیت‌پذیر بودن را به عنوان ملاک خانواده سالم در مورد ویژگیهای اخلاقی می‌دانند در حالی که دختران به ویژگیهایی از قبیل صداقت و راستگویی، مسئولیت‌پذیری، وفاداری و نجابت، شاغل بودن، هدفمندی و تلاش، مهربان و خوش‌اخلاق بودن و صبر و آرامش را به عنوان ویژگی خانواده سالم در نظام خانوادگی می‌دانند. این یافته‌ها با مطالعات حیدری و همکاران (۱۳۸۷)، شهیدی و یوسفی (۱۳۸۷)، ریورا و همکاران (۲۰۰۸) همسو است. در تبیین

احتمالی این یافته‌ها می‌توان گفت که پسران معتقدند زمانی خانواده‌ای سالم است که زنان آن خانواده از لحاظ اخلاقی دارای صفت وفاداری باشند که سبب حفظ اسرار زندگی و حفظ پاکدامنی، و صفت صداقت و راستگویی که سبب تشکیل خانواده بر پایه احترام و اعتماد، و صفت سازگاری و سازش در برابر مشکلات فردی و بین فردی در نظام خانواده و دارای صفت مؤدب بودن از طریق احترام به عقاید و ارزشهای فرد و حتی احترام به شخصیت فرد و واجد صفت مسئولیت‌پذیر بودن که سبب اجرای وظایف انتسابی و اکتسابی می‌شود. در حالی که دختران در باب این ویژگی معتقدند که خانواده سالم، خانواده‌ای است که مردان آن خانواده، شکل‌دهنده یا پرورش‌دهنده صفاتی نظیر صداقت و راستگویی که سبب پایه‌ریزی خانواده و تداوم آن بر مبنای احترام و اعتماد متقابل و صفات مسئولیت‌پذیر بودن در برابر وظایف در برابر اعضای خانواده و صفت وفاداری و نجابت که سبب توجه انحصار طلب در برابر همسر و عدم خیانت و هم‌چنین شاغل بودن که سبب تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و صفت هدفمندی که از طریق تلاش هدفمندانه در راستای تأمین خواسته‌های اعضای خانواده و دستیابی به حفظ و تداوم استحکام خانواده و صفت مهربان بودن و داشتن صبر و آرامش و تأمین این چنین فضا در نهاد خانواده هستند که در نهایت سبب پرورش و پایه‌ریزی خانواده سلامت است. نکته قابل توجه اینکه هم دختران و هم پسران در سه ویژگی وفاداری و صداقت و مسئولیت‌پذیری مشترک هستند که احتمالاً این سه ویژگی را از ارکان اصلی در خانواده سلامت در هر دو جنس می‌دانند.

یافته دیگر پژوهش در زمینه بخش آمادگی برای ازدواج از ملاک خانواده سلامت نیز نشان داد که پسران ویژگیهایی از قبیل ایمان و اعتقادات مذهبی، اصالت خانوادگی، تمایلات جنسی، داشتن منزلت اجتماعی، پوشش و حجاب، توانایی کنترل احساسات و توانایی اداره منزل و مراقبت از فرزندان را برای جنس مخالف در نظر می‌گیرند تا بتوانند شرایط لازم را برای ایجاد و پرورش خانواده سلامت فراهم آورند. در صورتی که دختران ویژگیهای داشتن سلامت روانی، مسئولیت‌پذیری، شاغل بودن، سلامت جسمانی، داشتن استقلال از خانواده، تصمیم‌گیری مستقل و توانایی جنسی را به عنوان ویژگی لازم برای تشکیل خانواده سلامت در نظر می‌گیرند. این مطالعه با یافته ریورا و همکاران (۲۰۰۸)، عباس زاده و همکاران (۱۳۸۹)، تودوسیژویک و همکاران (۲۰۰۳)، باس (۱۹۸۹) و مایرز و بوس (۱۹۹۹) هماهنگ است. در واقع پسران معتقدند زمانی، نظام خانواده دارای سلامت و بهزیستی می‌شود که زنان، ایمان و اعتقاد مذهبی خود را به خاطر داشتن تعهد بیشتر و پایبندی به استحکام خانواده در برابر ناملایمات زندگی با توجه به آموزه‌های دینی و

اصالت خانوادگی خود را به خاطر حفظ آبرو و داشتن بنیادهای خانوادگی و هم‌چنین تمایلات جنسی را، که سبب تأمین نیازهای ضروری فرد و از طرفی توانایی باروری برای تولید نسل و نیز داشتن منزلت اجتماعی، که با تحصیلات عالی در دختران هم بی‌ارتباط نیست به‌گونه‌ای که دختران با تحصیلات بالا، منزلت اجتماعی بالاتری هم دارند که از نظر مردها دختری با موقعیت اجتماعی بالاتر می‌تواند تناسب بیشتری با آنها داشته باشد و علاوه بر این ممکن است پسران اعتقاد داشته باشند که موقعیت بالای اجتماعی می‌تواند موقعیت بالایی از لحاظ اقتصادی در پی داشته باشد که می‌تواند در شکل‌گیری خانواده سلامت نقش داشته باشد. هم‌چنین پوشش و حجاب نیز در دیدگاه پسران از طریق حفظ پاکدامنی و سرمایه‌گذاری مرد برای اینکه مطمئن شود که سرمایه‌گذاری وی به همسر و بچه‌هایش می‌رسد و داشتن توانایی شناسایی احساسات و کنترل آن و توانایی اداره منزل به منظور سر و سامان دادن ظاهری خانه و جلوگیری از هرج و مرج فضای خانواده و ایجاد فضای آرام در خانواده و توانایی مراقبت از فرزندان و پرورش توانایی آنها و آماده ساختن آنها برای زندگی در اجتماع را ویژگی اساسی و مهم در ایجاد، شکل‌گیری و تداوم خانواده سلامت و سالم می‌دانند. علاوه بر این دختران نیز معتقدند که خانواده‌ای دارای نظام سالمی است که مردان آن از سلامت روانی از طریق پیدا کردن شیوه مناسب شناخت خانواده و یاری به خانواده برای مراقبت افراد و حفظ شیوه‌های سالم زندگی و مسئولیت‌پذیری از طریق قبول و پذیرش مسائل و مشکلات و توانایی مقابله با آنها و رفع و حل آنها و هم‌چنین شاغل بودن مرد از اینکه توانایی اداره مالی و اقتصادی و تأمین نیازهای خانواده و همسر و فرزندان و نیز از طریق سلامت جسمانی و توانایی بدنی سالم و داشتن استقلال از خانواده و استقلال رأی داشتن جدا از خانواده گسترده خویش که سبب مانع‌شدن از دخالت خانواده در فضای خصوصی خانواده هسته‌ای و تصمیم‌گیری مستقل و هم‌چنین توانایی جنسی به منظور تأمین نیازها و شادابی حاصل از رضایت زناشویی را به عنوان ویژگیهای مهم در نظام خانواده سالم و سلامت در نظر می‌گیرند.

هم‌چنین نتایج مقایسه پسران با دختران در زمینه معیار سطح فرهنگی، تناسب سن، چهره فیزیکی، معیار اختلاف سنی و سطح تحصیلات از بخش آمادگی ازدواج از ملاک خانواده سلامت نشان داد، هم دختران و هم پسران در سطح فرهنگی به تناسب فرهنگی به عنوان ویژگی خانواده سالم تأکید دارند؛ اما تفاوت آنها در این معیار در پسران بیشتر از دختران است. تفاوت آماری بین دو جنس از لحاظ اهمیت ویژگی تناسب فرهنگی معنی‌دار بود. در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت از آنجا که تفاوت‌های فرهنگی چه در زمینه رفتارها، عقاید و چه در زمینه سبک زندگی و

حتی در چگونگی گذراندن اوقات فراغت و تفریح و حتی تفاوت‌های قومیتی و زبان و غیره باعث درگیری و فاصله انداختن بین زن و شوهر و از هم پاشیده شدن نظام هر خانواده می‌شود به گونه‌ای که در مشاوره‌های پیش از ازدواج نیز بر اهمیت تناسب فرهنگی تأکید و توجه دارند. هم‌چنین نتایج در مورد معیار تناسب سن نیز نشان داد که هر دو جنس، سال مناسب تشکیل خانواده سلامت را ۲۵ - ۳۰ سالگی می‌دانند به طوری که این تفاوت در دختران بیشتر از پسران دیده می‌شود. تفاوت آماری بین دو جنس از لحاظ اهمیت تناسب سن معنی‌دار بود. این یافته با مطالعه عابدی و فرحبخش (۱۳۸۰) همسو است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت عموماً افراد بویژه دختران ویژگی‌هایی را در همسر بالقوه ارزشمند بدانند که با توانایی کسب درآمد و تعهد بیشتر مرتبط است. توضیح زنان برای انتخاب مردانی با سن بیشتر از خود را نیز می‌توان در این جهت تحلیل کرد و مردان با سن بیشتر احتمالاً به منابع حمایتگری بیشتری دسترسی دارند؛ بنابراین عموم مردان در این سنین می‌توانند توقعات زنان را در جهت درآمد زایی، تعهد بیشتر و حمایتگری فراهم کنند.

نتایج در مورد معیار چهره فیزیکی نیز نشان داد که دختران، تناسب چهره را به عنوان ویژگی خانواده سالم و سلامت در نظر می‌گیرند در حالی که پسران در مورد این ملاک، چهره فیزیکی زن بهتر از مرد را به عنوان ویژگی خانواده سالم در نظر می‌گیرند. تفاوت آماری بین دختران و پسران از لحاظ اهمیت این معیار معنی‌دار بود که این یافته نیز در راستای یافته‌های پژوهشهایی است که به نقش مهم جذابیت جسمانی در هر دو جنس و بویژه مردان و توجه بیشتر مربوط به آن نیز به عنوان نشانه‌ای از ارزش همسری افراد معتقدند. در تبیین احتمالی می‌توان گفت که جهتگیری نگرش مردان در جامعه در اولویت قرار دادن نقش زیبایی علت‌های متعددی دارد. اهمیت دادن به زیبایی همسر بویژه مردها در فرهنگ ملی و دینی جامعه ما به چشم می‌خورد و مردان برای انتخاب همسران زیبا با آموزه‌های دینی و تربیتی خانواده تشویق می‌شوند. یکی دیگر از گرایش زیاد پسران در اولویت قرار دادن به زیبایی همسر، علاقه آنها برای باقی گذاشتن نسلی از خود است که این چنین ویژگی و تأمین این چنین دیدگاهی چه به طور خودآگاه و چه به صورت ناخودآگاه در شکل دادن خانواده سلامت مؤثر است.

نتایج در مورد معیار اختلاف سنی نیز نشان داد که پسران اختلاف سنی مناسب را ۱ تا ۳ سال می‌دانند (زن ۱ تا ۳ سال از مرد کوچکتر باشد) در حالی که دختران اختلاف سنی مناسب را ۳ تا ۵ سال (مرد ۳ تا ۵ سال از زن بزرگتر باشد) برای داشتن خانواده سلامت و سالم ضروری می‌دانند. تفاوت آماری بین دو جنس از لحاظ اهمیت این معیار معنی‌دار بود؛ ضمن اینکه این یافته می‌تواند

مبین فرهنگ ایرانی اسلامی گروه نمونه باشد که بزرگتر بودن مرد از زن از لحاظ اجتماعی - فرهنگی بیشتر مورد پسند و پذیرش قرار می‌گیرد. از سوی دیگر به دلیل اینکه دختران زودتر از پسران به بلوغ جسمی و فکری می‌رسند، این یافته می‌تواند اهمیت پختگی و بلوغ همسر را برای زنان مورد تأیید قرار دهد و همان‌طور که در بهداشت روانی ازدواج نیز مطرح است، داشتن حداقل اختلاف سن بین زوجین می‌تواند در افزایش دادن سطح سلامت خانواده تأثیر بگذارد ضمن اینکه جوانتر بودن زن نیز می‌تواند از نظر تکاملی، سرمایه‌گذاری مرد را افزایش دهد و نشانه سلامت، جذابیت و قدرت باروری زن باشد و علاوه بر اینها از طریق فراهم‌سازی اقتدار مرد در منزل یا نظام خانواده در ایجاد و تداوم خانواده سلامت نقش مؤثری داشته باشد. هم‌چنین نتایج پژوهش در مورد معیار سطح تحصیلات نیز نشان داد که هر دو جنس بر تناسب سطح تحصیلات در زن و مرد به عنوان یکی از ویژگیهای خانواده سلامت در نظر می‌گیرند به طوری که تفاوت در پسران در اهمیت دادن به این ویژگی بیشتر از دختران است. تفاوت آماری بین دختران و پسران در این معیار معنی‌دار بود. از آنجا که بینش و منش افراد تحصیل کرده با دیگر افراد جامعه متفاوت است و اینکه کسب دانش در رشد و تعالی فکری افراد و نگرش آنها بسیار مؤثر است، تناسب در میزان تحصیلات در ایجاد درک و فهم متقابل، تفاهم بیشتر، تناسب در جهان‌بینی، پرورش بهتر فرزندان و ایجاد نسلی موفق تأثیر مهمی دارد که همگی نشان‌دهنده خانواده سالم است.

یافته دیگر پژوهش در زمینه بخش تعامل افراد خانواده از ملاک خانواده سلامت نیز نشان داد که پسران در مقایسه با دختران بر ویژگیهای علاقه‌مندی به یکدیگر، احترام به یکدیگر، اعتماد کامل به یکدیگر، مسئولیت‌پذیر بودن در تعاملات، نبود تنش و بی‌اعتنایی، گذشت و فداکاری، لجباز نبودن (خود رأی نبودن) و تعاملات مبتنی بر شادی به عنوان ویژگی خانواده سالم و سلامت تأکید بیشتر دارند در حالی که دختران ویژگیهای راستگویی، مسئولیت‌پذیری در تعاملات، علاقه و عشق، روابط دوستانه، کمک به یکدیگر در جهت رشد و پیشرفت، مطرح‌نکردن اختلاف خانوادگی در جمع، ابراز علاقه، رعایت حریم شخصی و دلسوزی را به عنوان ویژگی خانواده سلامت در بعد تعاملات در اولویت قرار می‌دهند. یافته دیگر پژوهش در مورد مقایسه پسران با دختران در بخش شیوه مدیریت در خانواده سلامت در زمینه مدیریت اقتصادی، مدیریت منزل و مدیریت ارتباطات نیز نشان داد که پسران معتقدند که در خانواده سالم، مدیریت اقتصادی بر عهده مرد باشد در حالی که دختران معتقدند که مدیریت اقتصادی در خانواده سالم به صورت مشترک باشد. تفاوت آماری بین دو جنس از لحاظ اهمیت این ویژگی معنی‌دار بود. در تبیین این نتیجه

می‌توان گفت که انسان برای پیشرفت در زندگی و توفیق در آینده، نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی است و از آنجا که مردان به دلیل تجربه شغلی و انتظاراتی که جامعه و خانواده از مردان به منظور تأمین نیازهای اقتصادی دارد، مردان بهتر می‌توانند مدیریت اقتصادی نظام خانواده را بر عهده گیرند در حالی که دختران به دلیل تغییر نگرش و تغییر جایگاه آنها در اجتماع و جامعه، توانایی مدیریت اقتصادی را به دلیل مشابه با پسران به صورت مشترک در خانواده سلامت در نظر می‌گیرند. هم‌چنین نتایج در مورد شیوه مدیریت منزل نیز نشان داد که هم پسران و هم دختران معتقدند که مدیریت منزل در خانواده سلامت به صورت مشترک باشد اما تفاوت در دختران بیشتر از پسران دیده شده است. تفاوت آماری بین دو جنس معنی‌دار بود. هم دختران و هم پسران معتقدند مدیریت منزل به صورت مشترک و همفکری و تخصیص وظایف با توجه به توانمندی هر یک از زن و مرد زمینه را برای آرامش‌دهی و استحکام خانواده و در نهایت در شکل‌دهی نظام خانواده سالم نقش مؤثرتری برعهده داشته باشد. نتایج در مورد شیوه مدیریت ارتباطات نیز نشان داد که هم پسران و هم دختران معتقدند که مدیریت منزل در خانواده سالم به صورت مشترک باشد؛ اما تفاوت در دختران بیشتر از پسران دیده شده است. مدیریت ارتباطات در خانواده سالم به صورت برقراری شادی و نشاط در خانواده، کنترل خشم، ارتباط با خانواده همسر و ارتباط با اعضای غیر خانواده و غیره است که برای دستیابی به این مهم هم زن و هم مرد باید به صورت مشترک عمل کنند. از آنجا که در فرهنگ ایرانی، مدیریت روابط بر عهده زنان است، انتظار می‌رود مدیریت ارتباطات بر عهده زنان باشد.

محدودیت و پیشنهادها: پژوهش روی نمونه دانشجویی اجرا شده است؛ از این رو در تعمیم یافته‌ها به نمونه‌های غیر دانشجویی و دیگر افراد، باید جانب احتیاط را رعایت کرد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش، اندک بودن تعداد نمونه است که روایی بیرونی پژوهش را با مشکل روبه‌رو می‌کند. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود که ملاک خانواده سالم در مجردان و متأهلان مقایسه شود. تشکر و قدردانی: بدین وسیله از تمامی استادان و اعضای هیئت علمی و همکارانی که در این پژوهش کمک کردند و تمام شرکت‌کنندگانی که صادقانه به تکمیل پرسشنامه پرداخته‌اند، صمیمانه تشکر می‌شود.

منابع

باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: نشر دانشگاه جامع علمی کاربردی.

- بنی جمال، شکوه السادات؛ یزدی، سید منوره؛ نفیسی، غلامرضا (۱۳۸۳). ریشه‌یابی علل از هم پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگیهای روانی - اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*. شماره ۳: ۱۴۳ تا ۱۷۰.
- حیدری، جبار؛ جعفری، هدایت؛ افضل، محمدعلی؛ محمدپور تهمتن، رضا علی؛ محمودی، قهرمان (۱۳۸۷). معیارهای ازدواج از دیدگاه دانشجویان مجرد دانشگاه علوم پزشکی مازندران. *مجله پرستاری*. شماره ۳: ۵۵ تا ۶۲.
- رجبی، غلامرضا؛ بخشی‌پور، باب‌اله؛ عباسی، قدرت‌اله (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه نظریه همسان همسری بر اساس ویژگی‌های شخصیتی. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*. شماره ۴: ۶۷۳ تا ۶۸۹.
- سحابی، جلیل؛ خانی، سعید؛ خانی، اسعد (۱۳۹۲). الگوهای ازدواج و ارتباط آن با رضایت زناشویی؛ مورد مطالعه دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد واحد سنندج. *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان*. شماره ۴: ۷۷ تا ۱۱۲.
- شهیدی، محسن؛ یوسفی، فایق (۱۳۸۷). بررسی مشکلات و معیارهای ازدواج دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال ۱۳۷۸. *فصلنامه طب و تزکیه*. شماره ۱۰: ۱ تا ۴.
- عابدی، داریوش؛ فرحبخش، کیومرث (۱۳۸۰). بررسی ملاک انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. *مجله علوم پزشکی*. شماره ۳۹: ۳۴ تا ۴۲.
- عباس‌زاده، محمد؛ بهی، مهدی؛ دربندی، محمد علی؛ یوسفی، محمود؛ جمال زاده، فیصل (۱۳۸۹). بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی زابل در سال ۱۳۸۷. *فصلنامه رستمیه*. شماره ۳: ۸۰ تا ۸۸.
- فتحی آشتیانی، علی؛ احمدی، خدابخش (۱۳۸۳). بررسی ازدواج‌های موفق و ناموفق در بین دانشجویان. *دوماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار*. شماره ۱۱: ۹ تا ۱۶.
- نصیرزاده، راضیه؛ رسول‌زاده طباطبایی، کاظم (۱۳۸۸). معیارهای فیزیکی انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *اصول بهداشت روانی*. شماره ۱: ۴۱ تا ۵۰.

- Benson, R. (2002). Biblical Principles for marriage. June 2002. Available from: <http://www.mm.aaa.net.au>.
- Buss, D. M. (1989). Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures. *Behavioral and Brain Sciences*, 12, 1-49.
- Buss, D. M., et al. (1990). International preferences in selecting mates: A study of 37 cultures. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 21, 5-47.
- Buss, D. M., Shackelford, T. K., Kirkpatrick, L. A., & Larsen, R. J. (2001). A half century of American mate preferences: The cultural evolution of values. *Journal of Marriage and the Family*, 63, 491-503.
- Chang, L., et al. (2010). Chinese mate preferences: Cultural evolution and continuity across a quarter of a century. *Journal of Personality and Individual Differences*, 50:678-683.
- Escorial S, Martín-Buro C. (2012). The Role of Personality and Intelligence in Assortative Mating. *The Spanish Journal of Psychology*, 15, 2: 680-687.

- Friedman M et al (2003) Family Nursing Research, Theory and Practice. ۵th edition. New Jersey. Pearson Education, Inc.
- Furnham A (2009). Sex Difference in Mate Selection Preference. *Personality and Individual Differences*, 47:262-267.
- Goodwin, R., Tinker, M. (2001). value priorities and preferences for a relationship partner. *Journal of Personality and Individual Differences*, 32 1339-1349.
- Gustavsson L, Johnsson JL, Uller T (2008). Mixed Support for Sexual Selection Theories of Mate Preferences in the Swedish Population. *Evolutionary Psychology*, 6: 575-585.
- Khallad, Y. (2005). Mate selection in Jordan: Effects of sex, socio-economic status, and culture. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22, 155-168.
- Li, N. P., et al. (2010). Mate preferences in the US and Singapore: A cross-cultural test of the mate preference priority model. *Personality and Individual Differences*, doi:10.1016/j.paid.2010.10.005.
- Luo S, Klohnen EC. (2005). Assortative mating and marital quality in newlyweds: A couple-centered approach. *Journal of Personality and Social Psychology*, 88(2): 304-326.
- Morry MM, Gaines SO. (2005). Relationship satisfaction as a predictor of similarity ratings: A test of the attraction-similarity hypothesis. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22, 561-584.
- Myers, S.M., Booth, A. (1999). Marital strains and marital quality: The role of high and low locus of control. *Journal of Marriage and the Family*, 61, 2; ProQuest Religion, pg. 423.
- Rabino-Massa, E., Prost, M. & Boetsch, G. (2005). Social structure and consanguinity in a French mountain population (1550-1849). *Hum. Biol.* : vol 77(2): PP. 201-12 .
- Rivera F. I, Guarnaccia P. J, Mulvaney- Day n, Lin J.Y , Torres. M, Alegria. M. (2008). Family cohesion and its relationship to psychological distress among latino groups. *Hispanic Journal Behavior sciences*: 30(3): 357-78.
- Rusu AS, Bencic A. (2007). Choosing a mate in Romania: Cognitive Evolutionary Psychological Investigation of Personal Advertisements Market. *Journal of Cognitive and Behavioral Psychotherapies*, 7: 27-43.
- Shoemak EG. (2007). Human mate selection theory: an integrated evolutionary and social approach. *Journal of Scientific Psychology*, 50: 11-27.
- Todsijevic et al. Mate Selection Criteria. 23 June 2003. [online]. <http://www.human_nature.com>. [15 June 2005].

به این مقاله این گونه استناد کنید:

گودرز ناصری، الهه؛ باقریان، فاطمه؛ کمری، سامان (۱۳۹۵). خانواده سالم: کنکاشی در ملاکهای همسر مطلوب از دیدگاه پسران و دختران. فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده. شماره ۳۵: ۱۰۱ تا ۱۲۲.